

دانیل پاییز «Daniel Pipes» سردبیر فصلنامه خاورمیانه در پیوند با کتاب مورد بررسی چنین می‌نگارد که کتاب روبین بسیار عالی و با قضاوت‌های قابل اعتماد و سبک نگارش استوار است. این کتاب می‌تواند دانش ما را فزونتر نماید. پاییز بر این باور است که روبین پُرسمانی را به عهده گرفته که به ظاهر برای مخاطبین آشناست، ولی کتابی مانند آن که به زبان انگلیسی به ریشه ژرف مسایل پردازد، وجود ندارد. مارک هلر «Mark Heller» از مرکز مطالعات استراتژیک یافا در دانشگاه تل‌آویو می‌نویسد: روبین کتابی را به شیوه‌ای منظم و بانگرس به جزئیات به تحریر آورده که تا سال ۱۹۹۴ شاید وجود خارجی نداشته است. وی به فراهم‌آوری و مرور بر پرسمانی پرداخته است که باز یافت بهره‌گیری از پژوهش‌های طولانی اوست. کتاب برای علاقه‌مندان خاورمیانه منبع مناسبی است. والتراکور «Walter Laquer» از مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک واشنگتن می‌نویسد: کتاب، پیدایی سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان یک سازمان نظامی-سیاسی تا مرحله برپایی یک دولت

## گذار سیاست‌های فلسطینی از انقلاب تا دولت‌سازی

Barry Rubin, *The Transformation of Palestinian Politics from Revolution to State-Building*, Massachusetts: Harvard University Press, 1999, 288 pages.

دکتر ناصر فرهاد گهر

معاون پژوهشگر امور اقتصادی و

استادیار دانشکده امور اقتصادی

باری روبین، مدیرمسئول مجله

Middle East Review of International Affairs

می‌باشد. او آثاری دیگر همچون کتاب

از انقلاب تا پیروزی؟ سیاست و تاریخ سازمان

آزادیبخش فلسطین را نیز تدوین نموده است.

فلسطینی را به بررسی می‌کشد. روبین با این موضوع آشنا است؛ در ضمن کتاب برمبنای اسناد عربی، عبری و انگلیسی استوار است.

با نگرشی گذرا به کتاب درمی‌یابیم که نوشتار مورد بررسی مروری کلی و جامع از جنبش فلسطینی‌ها از برشگاه انقلاب تا پیدایش دولت دارد. روبین مشکلات گذار در تاریخ جنبش فلسطینی را بررسی نموده، چگونگی یک رژیم (نظام) اقتصادی، ساخت حکومت و هویت ملی آنها را به بررسی می‌گیرد. روبین، رژیم (نظام) سیاسی آنها را به شیوه‌ای خاص گرا تشبیه نموده و به نظر می‌رسد که تمایل دارد آن را یک «دیکتاتوری پلورالیستی» بنامد. وی در حالی که از انتخابات آزاد و احزاب گوناگون به عنوان گرایشهایی یا نمادهایی به سوی آزادی نام می‌برد؛ لیکن از دیدگاه کاربرد مسایل حقوقی به ویژه در پیوند با اجرای آزادی؛ هیأت اجرایی حکومت خودگردان را با مشکلات گسترده‌ای روبه‌رو می‌داند. افزون بر تبیین اینکه چگونه شاخه‌های قانون‌گذاری و اجرایی حکومت خودگردان کار می‌کند، جایگاه متغیرهایی

مانند افکار عمومی، نهادهای غیر دولتی، جنبشهای اپوزیسیون، روابط خارجی و حکومت خودگردان، تعامل میان شاخه اجرایی حکومت خودگردان را با کشورهای جهان و به ویژه ایالات متحده مورد بررسی قرار می‌دهد.

کتاب به سر فصلهای متعددی مانند، «دولتمردان، فرمانبران نقشها»، «شورای فلسطینی»، «دموکراسی، ثبات و حقوق بشر»، «مردم و سیاست»، «نخبگان جدید فلسطینی»، «اپوزیسیون فلسطینی‌ها»، «حکومت خودگردان فلسطینی و خاورمیانه»، «اسرائیل و ایالات متحده» و «شناسایی و آفرینش حقایق» تقسیم شده است. در پیوستها نیز کابینه‌های حکومت خودگردان، اعضای شورای قانون‌گذاری، کمیته مرکزی فتح، کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO)، خاورمیانه و حکومت خودگردان فلسطینی‌ها را مورد بازبینی قرار می‌دهد. شمار فراوانی از منابع عربی، عبری و انگلیسی موجود در کتاب با یکدیگر سنجیده شده‌اند. روبین در مقدمه اذعان می‌دارد که تلاش نموده است پژوهش خود

را براساس واقعیتها بنا کند و افزون بر اسناد به مشاهدات مستقیم خود از شرایط موجود نیز استناد نموده است. کتاب در پیوند با حکومت خودگردان از مرحله تاریخ سیاسی، دوران گذار از برشگاه جنبش انقلابی تا برشگاه دولت سازی و ایجاد یک نهاد سیاسی پیش می رود.

روبین بر این باور است که در کتاب «دولت عرب و مناقشه فلسطینی ها» به بخشی از تکامل این روند سیاسی اشاره شده است و در کتاب «انقلاب تاپیروزی» سیاستها و تاریخ سازمان آزادیبخش فلسطین نگارش گردیده است. از همین رو پژوهش اخیر در مورد سیاستهای فلسطینی ها پس از سال ۱۹۹۳ می باشد؛ گرچه این رویدادها ریشه در پیشینه گذشته این سیاستها دارد. کتاب حاضر نقطه تمرکز خود را بر مناطقی که حکومت خودگردان فلسطینی اداره می نماید و درگیری در پیوند با بیت المقدس و گفت وگوهای اسراییل با فلسطینی ها قرار داده است. روبین در این اثر گرچه می گوید مشکل است حقایق را به سادگی بیابیم، اما تلاش خود را در این راه مبذول داشته است. وی از یک روزنامه نگار

فلسطینی برای اثبات ادعای خود کمک می گیرد. منا حمزه محاسن «Muna Hamza-Muhaysan» در مطالعه ای به یاد ماندنی تحت عنوان گزارش فلسطین (Palestine Report) (سپتامبر ۱۹۸۰) اشاره دارد که برای مشخص نمودن جمعیت بیت اللحم ناموفق بوده است. پرسیمان دیگری که روبین در این اثر با خوانندگان در میان می گذارد تضاد مفاهیم در گزینش واژه ها و اصطلاحات است. مسئله به کاربردن حکومت خودگردان یا حاکمیت ملی فلسطینی (Palestinian National Authority) که مورد استفاده فلسطینی هاست یکی از همین نکات است که روبین بر آن است که نخستین واژه را به کاربرد، چرا که در اسناد، مورد استفاده رسمی می باشد.

همان گونه که اشاره شد، فصل نخست از گفتمانهای کلیدی در گذار سیاستهای فلسطینی، حاکمیت، حکومت مداری و رهبری سخن به میان آورده است. فصل دوم نقش سازمان آزادیبخش فلسطین را مورد بررسی قرار می دهد. فصل سوم به پاسخ پرسشهای

دموکراسی و حقوق بشر می پردازد. فصل چهارم به نهادهای مدنی، مانند نهادهای اقتصادی و آموزش و پرورش اختصاص یافته است. فصل پنجم، نخبگان جدید سیاسی و فصل ششم، تجزیه و تحلیل اپوزیسیون را شامل می شود. فصل هفتم روابط میان حکومت خودگردان و کشورهای عربی؛ شامل فلسطینی هایی که در کشورهای عربی زندگی می کنند را مورد مطالعه قرار می دهد. فصل هشتم نگاهی به دیدگاههای حکومت خودگردان فلسطین از اسرائیل و ایالات متحده دارد. فصل نهم پرسشهایی را در مورد آینده حکومت خودگردان طرح نموده و انتقال به مرحله دولت را مطالعه می نماید. نکته جالبی که در این اثر وجود دارد استفاده از کلمات و نامها، به ویژه اسامی افراد به زبان انگلیسی و به زبان اصیل آن می باشد.

اینک مروری بر مهمترین فرازهای کتاب خواهیم داشت. در صفحات آغازین کتاب از قرآن کریم نقل شده است که «اگر دشمن به سوی صلح گرایش یافت، شما نیز چنین کنید و به خدا توکل نمایید.» سپس مصاحبه یاسر عرفات را در ژانویه ۱۹۹۵ با

یکی از روزنامه ها می آورد که گفته است: «انقلاب ما تا زمان استقلال دولت فلسطین با پایتختی بیت المقدس ادامه خواهد یافت. ما در همه صحنه ها و جبهه ها مبارزه می کنیم تا نشان دهیم که این سرزمین همیشه عربی است. ما از هر ذره ای از خاک سرزمین فلسطین دفاع می کنیم و هزینه های دولت سازی و آزادی را خواهیم پرداخت.»

در فصل نخست کتاب به چگونگی برقراری نوعی استبداد در حکومت خودگردان می پردازد و اینکه در انطباق با سبک دموکراسی باختر زمین، حکومت خودمختار نهادی دموکراتیک نخواهد بود. سپس به اختلافات درونی عرفات در درون کابینه می پردازد. روئین مشکلات داخلی و خارجی را در حکومت خودگردان بررسی می کند و درصد میزان حاکمیت و چیرگی آن را در کرانه باختری مورد مطالعه قرار می دهد. موضوع هیأت اجرایی و شاخه اجرایی حکومت خودگردان مشکلات کابینه های متعدد را عنوان و سپس دوام حکومت خودگردان را با توجه به رویدادهای نابود کننده کنونی بسیار دشوار می داند.

سازمان جهاد اسلامی، حماس و غیره را با توجه به اینکه عرفات نمی تواند جلودار آنها باشد، در نقش متغیرهایی بزرگ مورد ارزشیابی قرار می دهد.

فصل دوم به شورای قانون گذاری فلسطین اختصاص یافته است. در ژانویه ۱۹۹۵، ۶۷۰ کاندیدا از ۱۶ حوزه در کرانه باختری، نوار غزه و بیت المقدس برای کسب ۸۸ صندلی شورای قانون گذاری مبارزه یا پیکاری انتخاباتی داشتند. ۲۲۳ نفر مستقل و ۳۳ نفر از جنبش فتح برای ۳۵ صندلی مبارزه می کردند. در نوار غزه ۳۷۵ کاندیدا برای ۵۳ صندلی مبارزه نمودند. ۶ صندلی برای مسیحیان و یک صندلی برای یهودیان سامری نزدیک نابلس در نظر گرفته شد. روبین به نقل از یکی از نویسندگان منتقد فلسطینی می گوید: «گویا پس از انتخابات آنها مشکلات این سرزمین و فلسطینی ها را فراموش کرده اند.»

فصل سوم، دموکراسی، پایداری و حقوق بشر را در نظر می گیرد. کتاب ابتدا جایگاه حکومت خودگردان را با توجه به سیاستهای فلسطینی بررسی می نماید. با توجه به اینکه مردم فلسطین در جبهه ای

خواهان اجرای بهتر درخواستهای خود از سوی حکومت خودگردان می باشند، حکومت خودگردان دریافته است که حکومت قانون و احترام به حقوق بشر وظیفه ساده ای نیست. از سوی دیگر، اگر حکومت خودگردان رویه اخیر را دنبال نماید، چگونه می تواند با منتقدین، پارلمان و حماس برخوردی دموکراتیک داشته باشد. بخش دیگری از این فصل به دادگاه عالی امنیتی اشاره دارد که در سال ۱۹۹۵ توسط عرفات تأسیس شده است و اعضای آن به جای قضات، افراد پلیس می باشد. برخورد نخبگان سیاسی، هم پایه عرفات مثل جرج حبش، نایف حواتمه، دسته بندی انتقاد کنندگان به عرفات مثل حماس، جهاد اسلامی و ژورنالیست ها و افرادی که با دولت اسرائیل همکاری می کرده اند، از زیرمجموعه های این فصل است.

بحث فصل چهارم سیاست و مردم، مشروعیت حکومت خودگردان، میزان پاسخگویی این حکومت به مردم فلسطین، میزان فاصله حکومت با مردم، چگونگی و میزان استانداردهای رفاهی زندگی، وضعیت مبهم افرادی که خارج از کشور بوده و

تابعیت دوگانه دارند را مطالعه می کند. از سویی رشد جمعیت و از سوی دیگر، کاهش رشد تولید ناخالص ملی (GNP) که از سال ۱۹۹۲ تا سال ۱۹۹۶ حدود ۲۲٫۷ درصد کاهش و ۲۰ درصد افزایش بیکاری مشاهده شده است را مشکلات سیاسی جامعه می داند. عدم اراده سوبسید به روزنامه ها (به غیر از روزنامه هایی که از جانب کویت و عربستان پرداخت می شود)، میزان حمایت از عرفات، بررسی جنبش فتح، گروههای اپوزیسیون، مسایل اقتصادی، نبود دموکراسی و حقوق بشر در پایان این فصل مورد مذاقه قرار گرفته است.

فصل پنجم «نخبگان سیاسی جدید فلسطین» نام گرفته است، چگونگی خروج اعضای رده بالای سازمان آزادیبخش فلسطین، تاکتیکها، وفاداران جدید، جایگزینی گروهها و اعضای جدید و نقش این امر در پیدایش گروههای اپوزیسیون از اهم گفتارهای این فصل است. جمع بندی این فصل به ادامه زیست حکومت خودگردان اختصاص یافته است.

فصل ششم به این امر می پردازد که گروههای اپوزیسیون رادیکال به هیچ وجه

مشروعیت حکومت خودگردان را برای سرزمین فلسطین به رسمیت نمی شناسند و تلاش می کنند تا مخالفت خود با حکومت خودگردان را نشان دهند. گروههایی مثل حماس، جبهه دموکراتیک وجبهه خلق، هر دو برای آزادی فلسطین، فراکسیونهای حزب بعث را از جمله این گروهها می داند.

فصل هفتم به چگونگی مناسبات حکومت خودگردان با کشورهای منطقه خاورمیانه می پردازد. روابط حکومت خودگردان با کشورهای عربی، یکی از همین گفتارهاست. عرفات در این فصل به عنوان چهره ای معرفی شده است که مایل است مسئله فلسطین را موضوعی اسلامی و عربی تلقی کند. نقش مصر، سادات و نقش کم رنگ مصر به حکومت خودگردان در حال حاضر در ادامه این فصل آمده است.

فصل هشتم به تفکر حکومت خودگردان در مورد اسرائیل و ایالات متحده می پردازد. در سال ۱۹۹۵؛ یعنی، دوران کابینه اسحاق رابین تنها ۷ درصد فلسطینی ها به مقاصد اسرائیل درباره ایجاد حکومت خودگردان و فرایند برقراری صلح اعتماد نموده بودند. این سرآغاز، بهانه

مناسبتی برای بررسی دیدگاه حکومت خودگردان نسبت به اسرائیل و آمریکا است. حکومت خودگردان نقش آمریکا را در مورد ایجاد صلح، یا عدم برقراری آن بسیار مهم تلقی می کند. فصل نهم با عنوان حقایق شناسی - حقایق آفرینی از دیدگاه فلسفی - سیاسی گفت و گوهای صلح، نظرات عرفات برای ساختن کشور اسرائیل، سرزمینهای کشوری، اختلاف نظر حکومت خودگردان و دولتمردان اسرائیل را بررسی می کند.

پیوستهای کتاب نیز همان گونه که در آغاز گفتار یاد شد به اسامی اعضای کابینه از ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹، هموندان شورای قانون گذاری فلسطین، کمیته مرکزی فتح، کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین، سیاهه اسامی کشورهای که در کمپ صلح و سیاستهای سازگار با عرفات هستند (الجزایر، جیبوتی، مصر، اردن، ایتوبی، موریتانی، مراکش، قطر، سومالی، تونس، ترکیه، امارات متحده عربی و یمن)، سیاهه

اسامی کشورهای مخالف (لبنان، ایران، عراق، سودان و سوریه) و درنهایت اسامی کشورهایی که بی تفاوت هستند (کویت و عربستان) اختصاص یافته است. فرهنگ اصطلاحات، کتاب شناسی و نمایه کتاب از بخشهای دیگر آن است. در مجموع برآیند سخن این است که کتاب در دست بررسی در هم سنجی با کتابهایی که به زبان فارسی در این رابطه نوشته شده، از جایگاهی قابل تأمل برخوردار است. برگردان این کتاب به شناخت دیدگاه اسرائیلیها از فلسطین کمک می کند و نیاز پژوهندگان مسایل خاورمیانه را به شیوه کارآمدی رفع می نماید. افزون بر آن می توان گفت که به راستی کتاب در میان کتابهای لاتین نیز مورد توجه واقع شده است. روپین تلاش نموده است برای آرایه اثرش بسیار استنادی بنگارد.